****

[نقد و بررسی ادله لزوم رعایت موالات در سعی 1](#_Toc487555321)

[دلیل اول 1](#_Toc487555322)

[دلیل دوم: استدلال به روایات 1](#_Toc487555323)

[روایت اول 1](#_Toc487555324)

[روایت دوم: معتبره اسحاق بن عمار 2](#_Toc487555325)

[روایت سوم: صحیحه معاویة بن عمار 4](#_Toc487555326)

[روایت چهارم: موثقه محمد بن فضیل 4](#_Toc487555327)

[روایت پنجم: معتبره حسن بن علی بن فضال 4](#_Toc487555328)

[بیان نتیجه: فقدان روایت دال بر لزوم موالات 5](#_Toc487555329)

**موضوع**: شرائط صحت سعی /سعی /حج - واجبات عمره تمتع

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## نقد و بررسی ادله لزوم رعایت موالات در سعی

### دلیل اول

سعی عمل واحد است و عمل واحد دارای هیئت اتصالیه است و اگر پی در پی انجام نگیرد، سعی سبعة اشواط بین الصفا و المروة صدق نمی کند.

البته ما از این دلیل جواب دادیم.

### دلیل دوم: استدلال به روایات

#### روایت اول

محقق خوئی فرموده: در روایتی سوال شده که آیا جلوس در اثناء سعی اشکال دارد و امام علیه السلام می فرماید اشکال ندارد و این نشان می دهد که ارتکاز سائل، بر لزوم رعایت موالات بوده و امام علیه السلام نیز این ارتکاز را تقریر نموده است.

**نقد دلالت روایت اول**

این مطلب ناتمام است، زیرا مردم در مثل حج که واجب تعبدی است، از هر چیزی که احتمال شرطیت آن را بدهند، سوال می کند، و بعد از این که در طواف، موالات شرعا باید رعایت گردد، سائل در سعی هم چنین احتمالی می داده و لذا از آن سوال کرده و لذا دلیل نمی شود که ارتکازی در میان بوده و امام علیه السلام آن را تقریر فرموده است.

#### روایت دوم: معتبره اسحاق بن عمار

وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ‏ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) فِي رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ اعْتَلَّ عِلَّةً لَا يَقْدِرُ مَعَهَا عَلَى إِتْمَامِ الطَّوَافِ فَقَالَ إِنْ كَانَ طَافَ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ أَمَرَ مَنْ يَطُوفُ عَنْهُ ثَلَاثَةَ أَشْوَاط فَقَدْ تَمَّ طَوَافُهُ وَ إِنْ كَانَ طَافَ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى الطَّوَافِ فَإِنَّ هَذَا مِمَّا غَلَبَ‏ اللَّهُ‏ عَلَيْهِ‏ فَلَا بَأْسَ بِأَنْ يُؤَخِّرَ الطَّوَافَ يَوْماً وَ يَوْمَيْنِ فَإِنْ خَلَّتْهُ الْعِلَّةُ عَادَ فَطَافَ أُسْبُوعاً وَ إِنْ طَالَتْ عِلَّتُهُ أَمَرَ مَنْ يَطُوفُ عَنْهُ أُسْبُوعاً وَ يُصَلِّي هُوَ رَكْعَتَيْنِ وَ يَسْعَى عَنْهُ وَ قَدْ خَرَجَ مِنْ إِحْرَامِهِ وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُ فِي السَّعْيِ وَ فِي رَمْيِ الْجِمَارِ.[[1]](#footnote-1)

آیت الله زنجانی فرموده در معتبره اسحاق بن عمار درباره کسی که در حال طواف و همچنین سعی مریض شده، گفته شده اگر سه شوط انجام داده، خدا عذرش را می پذیرد و لازم نیست از ابتداء انجام دهد، بلکه بعد از رفع عذر، همان را تکمیل می کند و معلوم می شود که اگر عذری نمی بود، می بایست موالات را رعایت کند، البته قدر متیقین از آن قبل از شوط چهارم است، کما این که از روایت استفاده می شود قطع طواف و سعی حرام تکلیفی است، زیرا حضرت فرمود چون این شخص بیمار شده، می تواند طواف یا سعی را رها کند و معلوم می شود در صورت نبود عذر، قطع طواف جایز نیست.

**نقد سند روایت دوم**

در سند این روایت، «سهل بن زیاد» واقع شده که به نظر ما توثیق وی ثابت نیست و این که اکثار اجلاء از او سبب وثاقت می شود، گرچه صحیح است، اما معارضه می کند با تضعیف دیگران همچون مرحوم شیخ.

البته در تهذیب نیز این روایت به سند صحیح ذکر شده، اما با حذف ذیل «و کذلک یفعل فی السعی و فی رمی الجمار»، لذا از جهت دلالی قابل استناد نیست:

وَ عَنْهُ عَنِ اللُّؤْلُؤِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ بَعْضَ طَوَافِهِ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ اعْتَلَّ عِلَّةً لَا يَقْدِرُ مَعَهَا عَلَى تَمَامِ طَوَافِهِ قَالَ إِذَا طَافَ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ أَمَرَ مَنْ يَطُوفُ عَنْهُ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ وَ قَدْ تَمَّ طَوَافُهُ وَ إِنْ كَانَ طَافَ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ وَ كَانَ لَا يَقْدِرُ عَلَى التَّمَامِ فَإِنَّ هَذَا مِمَّا غَلَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَلَا بَأْسَ أَنْ يُؤَخِّرَهُ يَوْماً أَوْ يَوْمَيْنِ فَإِنْ كَانَتِ الْعَافِيَةُ وَ قَدَرَ عَلَى الطَّوَافِ طَافَ أُسْبُوعاً فَإِنْ طَالَتْ عِلَّتُهُ أَمَرَ مَنْ يَطُوفُ عَنْهُ‌ أُسْبُوعاً وَ يُصَلِّي عَنْهُ وَ قَدْ خَرَجَ مِنْ إِحْرَامِهِ وَ فِي رَمْيِ الْجِمَارِ مِثْلَ ذَلِكَ.[[2]](#footnote-2)

ان قلت: نسبت به ذیل، نقل کلینی و شیخ تعارض می کنند و چون کلینی اضبط است، نقل او مقدم می شود.

قلت: سکوت از نقل به معنای انکار آن نیست که با نقل کلینی تعارض کند، شاید مرحوم شیخ شک در فقره زائده داشته و آن را نقل نکرده است و یا دیده مربوط به بحث خودش نیست و لذا تقطیع کرده است.

نکته: فوت موالات عرفیه در این روایت، به مقدار کمی نبوده است، زیرا سخن از تاخیر یوما و یومین است و ممکن است کسی این مقدار را مضر بداند، اما یک و دو ساعت را عرفا مانع از صدق سعی سبعة اشواط نداند.

#### روایت سوم: صحیحه معاویة بن عمار

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) الرَّجُلُ يَدْخُلُ فِي السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَيَدْخُلُ وَقْتُ الصَّلَاةِ أَ يُخَفِّفُ‏ أَوْ يَقْطَعُ وَ يُصَلِّي ثُمَّ يَعُودُ أَوْ ثَبَتَ كَمَا هُوَ عَلَى حَالِهِ حَتَّى يَفْرُغَ قَالَ لَا بَلْ يُصَلِّي ثُمَّ يَعُودُ أَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِمَا مَسْجِدٌ.[[3]](#footnote-3)

#### روایت چهارم: موثقه محمد بن فضیل

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِمْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ‏ أَنَّهُ سَأَلَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الرِّضَا (عليه السلام) فَقَالَ لَهُ سَعَيْتُ شَوْطاً ثُمَّ طَلَعَ الْفَجْرُ قَالَ صَلِّ ثُمَّ عُدْ فَأَتِمَ‏ سَعْيَكَ‏ الْحَدِيثَ.[[4]](#footnote-4)

#### روایت پنجم: معتبره حسن بن علی بن فضال

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ قَالَ: سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) فَقَال‏ لَهُ سَعَيْتُ شَوْطاً وَاحِداً ثُمَّ طَلَعَ الْفَجْرُ فَقَالَ صَلِّ ثُمَّ عُدْ فَأَتِمَ‏ سَعْيَكَ‏.[[5]](#footnote-5)

**تقریب دلالت سه روایت اخیر**

به این سه روایت از دو زاویه می شود نظر نمود، برخی برای عدم شرطیت رعایت موالات در سعی به این روایت استدلال کرده اند، چون فرموده برو نماز بخوان و بعد سعی را تمام کن و معلوم می شود که موالات شرط نیست، و گرنه فصل به نماز آن را بهم می زند، اما در مقابل برخی گفته اند از این که گفته شده بعد نماز باید برگردد وسعی را تمام کند، معلوم می شود موالات عرفیه معتبر است، و گرنه لازم نبود که بعد از نماز برگردد، بلکه می توانست تاخیر بندازد و با فاصله برای تکمیل سعی برگردد.

**نقد دلالت سه روایت اخیر**

استدلال به عدم شرطیت موالات عرفیه به این روایت صحیح نیست، زیرا این استثناء از لزوم موالات عرفیه است و در طواف هم همین استثناء وجود دارد، با این که مشهور قائل به موالات عرفیه هستند.

کما این که استدلال به شرطیت موالات در سعی به این روایت نیز ناتمام است، زیرا روایت در مقام بیان این جهت نیست، بلکه در این مقام است که نمازش را اثناء سعی بخواند، اما این که باید فورا بعد از نماز به سعی برگردد، چنین ظهوری ندارد، صرفا در مقام بیان عدم مانعیت نماز در اثناء سعی است.

### بیان نتیجه: فقدان روایت دال بر لزوم موالات

لذا هیچ دلیلی بر لزوم موالات در اشواط سعی نداریم، حتی در شوط اول که مرحوم امام احتیاط واجب به لزوم حفظ موالات در آن داد، زیرا این نیز دلیلی ندارد.

در مقابل برخی نیز به صحیحه یحیی بن عبد الرحمن الازرق استدلال کرده اند بر عدم اشتراط موالات در اشواط سعی:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَزْرَقِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) عَنِ الرَّجُلِ يَدْخُلُ فِي السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَيَسْعَى ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ أَوْ أَرْبَعَةً ثُمَّ يَلْقَاهُ‏ الصَّدِيقُ‏ لَهُ‏ فَيَدْعُوهُ إِلَى الْحَاجَةِ أَوْ إِلَى الطَّعَامِ قَالَ إِنْ أَجَابَهُ فَلَا بَأْسَ.[[6]](#footnote-6)

به این تقریب که طبعا با پذیرش دعوت مومن برای رفع حاجت یا حضور برای اکل طعام، موالات عرفیه بهم می خورد.

ولی جواب این استدلال این است که امام علیه السلام نفرموده که وقتی برگشت، سعی را تکمیل کند، بلکه صرفا دلالت دارد بر جواز قطع سعی به جهت اجابت دعوت مومن و از آن استفاده جواز اتمام سعی بعد از رجوع نمی شود، بلکه شاید استیناف سعی لازم باشد.

لذا ما از باب عدم دلیل، قائل به عدم اشتراط موالات شدیم و نه به سبب این روایت.

..

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص387، أبواب أن من مرض قبل تجاوز النصف فی طواف...، باب45، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/387/%D8%AA%D8%AC%D8%A7%D9%88%D8%B2%20%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%B5%D9%81) [↑](#footnote-ref-1)
2. [تهذيب الأحكام؛ ج‌5؛ 124؛ 9 باب الطواف ؛ ج 5، ص : 101](http://lib.eshia.ir/10083/5/124) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص499، أبواب أن من دخل علیه وقت الفریضه...، باب18، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/499/%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%B9%DB%8C) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص500، أبواب أن من دخل علیه وقت الفریضة...، باب18، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/500/%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%B9%DB%8C) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص500، أبواب ءن من دخل علیه وقت الفریضة...، باب18، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/500/%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%B9%DB%8C) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص500، أبواب جواز قطع السعی...، باب19، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/500/%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%B9%DB%8C) [↑](#footnote-ref-6)